

حکمرانی آموزشی ۲۰۳۰: تعامل یا نفوذ



حلقه خط مشی آموزشی

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی

- این سند ۲۰۳۰ سازمان ملل و یونسکو و این حرفها، اینها چیزهایی نیست که جمهوری اسلامی بتواند شانه‌اش را زیر بار اینها بدهد و تسلیم اینها بشود. به چه مناسبت یک مجموعه‌ی به اصطلاح بین‌المللی ای – که قطعاً تحت نفوذ قدرتهای بزرگ دنیا است – این حق را داشته باشد که برای کشورهای مختلف، برای ملت‌های گوناگون، با تمدنهای مختلف، با سوابق تاریخی و فرهنگی گوناگون، تکلیف معین کند که شما باید این‌جوری عمل کنید؟ **اصل کار، غلط است.**
- اگر چنانچه با اصل کار شما نمیتوانید مخالفت بکنید، **حدائقش این است که بایستید بگویید** جمهوری اسلامی خودش ممشی دارد، خط‌وربط دارد، ما سندهای بالادستی داریم، ما میدانیم باید در زمینه‌های آموزش، پرورش، اخلاق، سبک زندگی چه کار کنیم؛ احتیاج به این سند وجود ندارد.
- اینکه ما برویم سند را امضا کنیم و بعد هم بیاییم شروع کنیم **بی‌سروصدا اجرایی کردن**، نخیر، این اصلاً مطلقاً مجاز نیست؛ ما اعلام هم کرده‌ایم به دستگاه‌های مسئول.
- بنده از شورای عالی انقلاب فرهنگی هم گله‌مند هستم؛ **آنها باید مراقبت میکردند**، نباید اجازه میدادند این کار تا اینجا پیش بیاید که ناچار بشویم ما جلوی آن را بگیریم و ما وارد قضیه بشویم.
- اینجا جمهوری اسلامی است؛ اینجا، مینا اسلام است، مینا قرآن است؛ اینجا جایی نیست که **سبک زندگی معیوب و پراکنده فاسد غربی** بتواند در اینجا این‌جور **اعمال نفوذ** کند. **البته متأسفانه اعمال نفوذ دارند میکنند** و از طرق مختلف وارد میشوند اما [اینکه] این‌جور **به‌طور رسمی** سند به ما بدهند که «تا پانزده سال دیگر باید شما این‌جوری بکنید، این‌جوری بکنید»، ما هم بگوییم بله، معنی ندارد این کار
- مسئله‌ی «**استقلال**» هم که من گفتم، خیلی مهم است. حالا همین مسئله‌ی ۲۰۳۰ – این قضیه‌ی سند ۲۰۳۰ – از همین قبیل است؛ این مسئله‌ی استقلال است. حالا بعضی‌ها می‌آیند میگویند آقا، مثلاً فرض کنیم ما تحفظ داده‌ایم یا گفته‌ایم فلان چیزش را قبول نداریم؛ نه، بحث سر اینها نیست. **فرض کنیم در این سند، هیچ چیز واضح یعنی هم که مخالف با اسلام باشد وجود نداشته باشد – که البته وجود دارد؛** آنهایی که خیال میکنند ما گزارش درست نگرفته‌ایم؛ نه، گزارشهای ما گزارشهای درستی است – حرف من این است که **نظام آموزشی کشور نباید بیرون کشور نوشته بشود؛** حرف من این است. شما میگویید این مثلاً فرض کنید خلاف اسلام ندارد؛ داشته باشد یا نداشته باشد، اینجا ایران است، اینجا جمهوری اسلامی است، اینجا یک ملت بزرگند. نظام آموزشی ما را چهار نفر در یونسکو یا سازمان ملل یا فلان‌جا بنشینند بنویسند؟ چرا؟ این همان مسئله‌ی استقلال است. استقلال ابعادی تا اینجاها است.

راه ارتباطی با ما: Torabzadeh@isu.ac.ir

خردادماه ۱۳۹۶

شناسنامه گزارش

مشخصات کلی			
عنوان گزارش			حکمرانی آموزش ۲۰۳۰: تعامل یا نفوذ
مؤلف	محمد صادق تراب زاده جهرمی	نظارت	حلقه خط مشی آموزشی مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام
تاریخ تدوین	خردادماه ۱۳۹۶	شماره مسلسل	۱۱۳۹۶۰۱
ویرایش	اول	تعداد صفحات	۳۱
مالکیت فکری و حق تالیف			
فرد / موسسه		توضیح حق تالیف و مالکیت فکری (معنوی)	
مرکز رشد دانشگاه امام صادق علیه السلام		استفاده از این اثر در صورت ارجاع دهی و استفاده غیرتجاری بلامانع است.	

فهرست مطالب

مقدمه	۳
از دستور کار جهانی ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار تا سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران	۴
حکمرانی چیست؟	۷
ماهیت اسناد بین المللی	۷
نقدهایی به اسناد آموزش ۲۰۳۰ و خصوصاً چارچوب اقدام	۹
چه باید کرد؟	۲۰
تحلیل های موضوعی از سند آموزش ۲۰۳۰: عدالت به مثابه برابری	۲۲
تحلیل های موضوعی از سند آموزش ۲۰۳۰: آموزش فراگیر	۲۳

مقدمه

متأسفانه در خصوص آموزش ۲۰۳۰ تاکنون مباحث انحرافی، فرعی یا خلاف واقع بسیاری در مخالفت یا موافقت طرح شده است. این کار باعث می شود که امکان کار علمی و کارشناسی از بین رفته و مسئولان، دیگر به نقدهای سازنده گوش فرا ندهند. این کار باعث می شود این اسناد و سایر اسناد در حوزه های دیگر، از این به بعد، بدون توجه به مباحث و نقدهای کلیدی به پذیرش، تصویب یا اجرا درآیند؛ ناقدان دلسوز و منصف به محاق روند و مجریان، اسناد بین المللی را در خفای بیشتری پیگیری کنند. از این رو لازم است که مسئله اصلی را برجسته و صرفاً بر آن تاکید کنیم.

لزوم تفکیک مسئله اصلی از مسائل فرعی و مباحث انحرافی

مسائلی از قبیل انتشار کتاب‌هایی چون لک لکی در کار نیست، این کاملاً عادی است و، آموزش مباحث جنسی در مهدهای کودک، حذف قرآن از مهدها، حذف درس شهید فهمیده، طرح حذف درس دفاعی و ... از جمله مباحث انحرافی، فرعی یا خلاف واقع هستند؛ گرچه ممکن است با محتوای آموزش ۲۰۳۰ مطابقت داشته باشند. محورهایی که می توان سند چارچوب اقدام ۲۰۳۰ را به نقد گذاشت عبارتند از:

۱. مفاهیم، مبانی و ارزش‌های مندرج در سند
۲. فرایند جهانی و ملی بررسی، تأیید و تصویب سند
۳. تبعات و پیامدهای اقتصادی، فرهنگی، سیاسی سند
۴. انطباق سند با اسناد بالادستی و قوانین داخلی کشور
۵. حکمرانی و سازوکارهای سلطه در سند

در این بین، مهم‌ترین مسئله، «حکمرانی و تضعیف حاکمیت ملی در مدیریت و راهبری آموزش» کشورهاست. بحث در مورد مشارکت و حضور گروه‌های خاص مثل بهائیان و می‌تواند از سند تفسیر شود. بحث در باب آموزش‌های جامع جنسی در سند وجود دارد. بحث در مورد غلط بودن معیار «برابری جنسیتی» به سند وارد است. اینکه ما امضا کرده ایم یا خیر، اینکه سند، لازم الاجراست یا خیر و ... اصلاً مسئله فعلی ما نیستند. بحث اصلی، حاکمیت بیگانه بر آموزش و به تبع، حاکمیت بر فرهنگ و سبک زندگی ماست. چه بخواهیم و چه نخواهیم، آموزش ۲۰۳۰ برای ما تبدیل به مسئله شده و در فرایند فشار جهانی در خصوص آموزش ۲۰۳۰ قرار گرفته ایم. چه این سند و کارگروه ملی را کنار بگذاریم و چه نگذاریم، اکنون باید برای مواجهه فعال با این مسئله آماده شویم. البته نیازمند لوازمی هستیم که در انتها پیشنهاد می‌شود.

در این نوشتار تحلیلی، تلاش داریم تا این مهم را تا حدی به پرداخت درآوریم. در ابتدا تاریخچه‌ای مختصر از آموزش ۲۰۳۰ بیان کرده و سپس وارد نقد حکمرانی این جریان خواهیم شد.

از دستورکار جهانی ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار تا سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران

با توجه به ناکامی‌های متعدد در تحقق اهداف هزاره ملل متحد، در اجلاس سپتامبر ۲۰۱۵ نیویورک، رهبران کشورهای عضو سازمان ملل متحد، در اجلاس عالی‌رتبه این سازمان متعهد شدند تا اهداف دستورکار جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ را محقق سازند و از ژانویه ۲۰۱۶ آن را در سیاست‌گذاری کلان ملی خود مدنظر داشته باشند. این دستورکار ۱۷ هدف اصلی و ۱۶۹ هدف فرعی (Target) دارد.

دگرگون ساختن جهان ما:



دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار

بر اساس اهداف اعلام شده توسط سازمان ملل، از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۳۰، کلیه کشورهای عضو سازمان ملل باید تلاش نمایند که به اهداف و شاخص‌های توسعه پایدار با همکاری و تعامل یکدیگر در سه سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دست یابند. توسعه پایدار یعنی «توسعه‌ای که نیاز فعلی جوامع را بدون خدشه وارد کردن به توانایی‌های نسل‌های آتی در تأمین نیازهایشان، تأمین نموده و به فرصت‌هایی که برای روشن کردن دوره جدیدی از تحول در جهت تغییر اساسی جهان دلالت داشته باشد، تأکید نماید». سازمان ملل متحد برای رسیدن به اهداف توسعه پایدار، ۱۷ هدف کلان را تعیین و تصویب نموده که کلیه آژانس‌های تخصصی بین‌المللی همچون یونسکو موظف و متعهد می‌باشند که راهبرد میان‌مدت و بلندمدت خود را بر این اساس تنظیم نمایند.

هدف اصلی ۱. پایان دادن به فقر در همه اشکال آن و در همه جا

هدف اصلی ۲. پایان دادن به گرسنگی، تحقق امنیت غذایی و تغذیه بهتر و توسعه کشاورزی پایدار

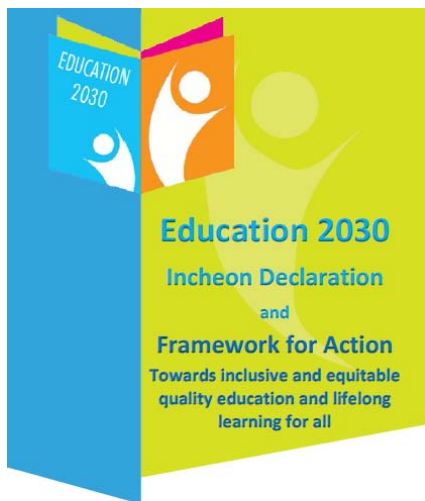
هدف اصلی ۳. تضمین دارا بودن زندگی توأم با سلامت و ترویج رفاه برای همه و در تمامی سنین

هدف اصلی ۴. تضمین آموزش با کیفیت، برابر و فراگیر و ترویج فرصت‌های یادگیری مادام‌العمر برای همه

هدف اصلی ۵. دستیابی به تساوی جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران

هدف اصلی ۶. تضمین دسترسی به آب و مدیریت پایدار آب و بهداشت برای همه

- هدف اصلی ۷. تضمین دسترسی به منابع انرژی مقرون به صرفه، مطمئن، پایدار و نوین
- هدف اصلی ۸. ترویج رشد اقتصادی ماندگار، فراگیر و پایدار، اشتغال کامل و بهره‌ور، و اشتغال شرافتمندانه برای همه
- هدف اصلی ۹. ساختن زیربنای مقاومتی، ترویج صنعتی سازی پایدار و فراگیر و ترویج نوآوری
- هدف اصلی ۱۰. کاهش نابرابری در درون و میان کشورها
- هدف اصلی ۱۱. تبدیل شهرها و سکونتگاه‌های انسانی به مکان‌های همه شمول، امن، مقاوم و پایدار
- هدف اصلی ۱۲. تضمین الگوهای پایدار تولید و مصرف
- هدف اصلی ۱۳. اقدام فوری برای رویارویی با تغییر اقلیم و آثار آن
- هدف اصلی ۱۴. حفاظت و استفاده پایدار از اقیانوس‌ها، دریاها و منابع دریایی برای توسعه پایدار
- هدف اصلی ۱۵. پاسداشت، احیاء و ترویج استفاده پایدار از بوم‌سازگان‌های زمینی، مدیریت پایدار جنگل‌ها، مبارزه با بیابان‌زایی و توقف و معکوس سازی روند تخریب زمین و همچنین متوقف ساختن تخریب تنوع زیستی
- هدف اصلی ۱۶. ترویج جوامع صلح‌جو و فراگیر برای توسعه پایدار، برقراری امکان دسترسی به عدالت برای همه و ایجاد مؤسسات مؤثر، پاسخگو و فراگیر در همه سطوح
- هدف اصلی ۱۷. تقویت ابزار اجرا و احیای همکاری‌های جهانی برای تحقق توسعه پایدار



در آرمان ۴ این سند به بحث آموزش پرداخته و در قالب هدف چهارم سند دگرگون‌سازی جهان (دستورکار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار)، تضمین «آموزش باکیفیت، برابر، فراگیر و یادگیری مادام‌العمر برای همه» و اهداف وابسته به آن در جهان خواسته شده است. هدف چهارم به صورت مستقیم با اهداف ۱، ۳، ۵، ۸، ۱۲ و ۱۳ مرتبط است به صورت غیرمستقیم، پاشنه آشیل تحقق همه اهداف توسعه پایدار است.

در راستای تحقق هدف چهارم از دستورکار جهانی توسعه پایدار ۲۰۳۰ که یونسکو وظیفه تحقق آن را دارد، بیانیه بین‌المللی اینچئون ۲۰۱۵ در کره جنوبی و چارچوب اقدام ۲۰۱۵ در پاریس تدوین و مورد ۱۸۴ کشور عضو یونسکو قرار گرفت. اجلاس جامتین ۱۹۹۰ در تایلند، اجلاس داکار ۲۰۰۰ در سنگال و اجلاس مسقط ۲۰۱۴ در عمان از جمله اجلاس‌هایی بودند که پیش از آن، در راستای اجماع سازی جهانی در عرصه آموزش برگزار شدند.

سال ۱۹۹۰ برنامه‌ای ۱۰ ساله تدوین شد: برنامه «آموزش برای همه» (EFA). آموزش برای همه در اجلاس داکار ۲۰۰۰ به مدت ۱۵ سال مورد تأکید و تصویب مجدد قرار گرفت. پس از این توافقنامه که پایبندی به آن در عمل نتوانست به صورت مطلوبی صورت پذیرد، در راستای اهداف توسعه پایدار (SDGs)، نشست‌های مختلفی برگزار شد. فرایند اصلاح از ۲۰۱۲ آغاز شد: نشست جهانی آموزش برای همه در مسقط می ۲۰۱۴، اجلاس E9 در پاکستان ۲۰۱۴، ۵ کنفرانس ۲۰۱۴-۲۰۱۵، اجلاس‌های منطقه‌ای در سطح وزرا در حوزه آموزش با عنوان post-۲۰۱۵ از رخدادهای این فرایندهای اصلاحی بودند. نهایتاً در مجمع جهانی آموزش برای همه در اینچئون (می ۲۰۱۵) بیانیه‌ای صادر و در میزگرد بلندپایه آموزش ۲۰۳۰ (هم‌زمان با سی و هشتمین کنفرانس عمومی یونسکو در نوامبر ۲۰۱۵ پاریس)، سند آموزش ۲۰۳۰ (چارچوب اقدام Framework for action)، مورد توافق و تصویب قرار گرفت. این چارچوب اقدام ناظر به اجرا، همکاری، تامین مالی و پایش آموزش ۲۰۳۰ است.

نقش یونسکو در تحقق آموزش ۲۰۳۰، هدایت و هماهنگی، نظارت و گزارش دهی و ارتقاء ظرفیت کارشناسی دولت‌هاست. در اجرای این برنامه برخی سازمان‌های بین‌المللی نیز نقش‌آفرینی خواهند داشت:

UNESCO, UNICEF, UNDP, UNFPA, World Bank, OECD, GPE

کمیسیون ملی یونسکو در ایران^۱ نیز (با مدیریت کمیته ملی آموزش کمیسیون ملی یونسکو در ایران) در آذرماه سال ۱۳۹۵، نسخه پیشنهادی سند ملی ۲۰۳۰ برای ایران را تحت عنوان «سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران» که بر اساس دستورالعمل‌ها و رهنمودهای فنی یونسکو و طی یک سال تدوین آن به طول کشیده بود، رونمایی کرد. ابتدا ۳۰ کارگروه متشکل از صاحب‌نظران، ذینفعان و مسئولان آموزش کشور تشکیل (پیوست ۱ سند ملی) و سپس نقشه راه پیشنهادی آنان به کمیته تلفیق سند (پیوست ۲ سند ملی) ارسال شد. کمیته تلفیق نیز نهایتاً نسخه اول این سند را تدوین کرد.



به سوی آموزش و یادگیری مادام‌العمر با کیفیت، برابر و فراگیر برای همه

"سند ملی آموزش ۲۰۳۰ جمهوری اسلامی ایران"

ویرایش اول

^۱ طبق اساسنامه، این کمیسیون ذیل وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تعریف شده و عمل می‌کند.

همزمان و به صورت موازی، در تعامل کمیسیون ملی یونسکو در ایران با نهادهای دولتی، هیئت وزیران در مصوبه ۱۳۹۵/۶/۲۵، همکاری در راستای تحقق اهداف بین‌المللی آموزش ۲۰۳۰ را در قالب تشکیل کارگروه ملی ۲۰۳۰ به تصویب رساند و مسئولیت اصلی را بر عهده آموزش و پرورش قرار داد. البته سایر نهادهای ملی از جمله وزارت علوم، صنعت، معاونت علمی رئیس‌جمهور، معاونت برنامه‌بودجه، سازمان انرژی اتمی، سازمان حفاظت محیط‌زیست و نیز مکلف به همکاری شدند. همکاری ایران سبب شد تا از طرف یونسکو، ایران به عنوان یکی از کشورهای پیشگام در تمهید موارد لازم برای اجرای آموزش ۲۰۳۰ مورد تقدیر قرار گیرد.

حکمرانی چیست؟

بحث از حکمرانی، جدای از بحث در خصوص محتوا، مفاهیم، ارزش‌ها و مبانی نخواهد بود. بلکه برشی متفاوت به این عناصر است. اما حکمرانی چیست؟ شاید به صورت ساده بتوان گفت که حکمرانی یعنی «چه کسی، با چه قدرتی، در چه حوزه‌ای، با چه ابزاری، بر چه کسانی، با چه رویه‌ای، تا چه میزان اعمال قدرت می‌کند تا خواست خود را به اثر خارجی تبدیل کند؟». هر تعامل و تبادلی، پذیرش نوعی اعمال قدرت از سوی طرفین است. هر اعمال قدرت نیز، نوعی از تبعیت و سلطه را به همراه دارد که گریزی هم از آن نیست. لکن باید متوجه بود که ما تبعیت از چه کسانی را در چه حوزه‌ای و چگونه می‌پذیریم یا اینکه چگونه و بر چه کسانی و در چه حوزه‌ای سلطه داریم؟ به طور مثال، در یک خرید و فروش ساده، میزان سلطه‌ای برای فروشنده در قیمت‌گذاری و برای مشتری در قیمت‌پذیری می‌توان تعریف کرد. اینکه چه ساختاری بر قیمت‌گذاری و تقسیم منافع ناشی از آن حاکم است را ساختار حکمرانی گویند. در مثال دیگر، پذیرش سالم بودن یک جنس بر اساس داشتن علامت استاندارد کیفیت، نشان از سلطه علامت استاندارد بر نحوه خرید ما است. ما بدون آنکه بدانیم، حاکمیت علامت استاندارد و سازمان طراح و پایش‌گر آن را بر خود در یک حوزه مشخص پذیرفته‌ایم.

ماهیت اسناد بین‌المللی

توافقنامه‌های بین‌المللی، سازوکارهای اعمال قدرتی (بخوانیم سلطه) هستند که با پذیرش کشورهای جهان، اعمال حاکمیت داخلی را کانالیزه کرده و هر یک تا حدی، این حاکمیت داخلی را تحت اختیار نهادهای بین‌المللی می‌برند. این سازوکارها، شیوه حکمرانی پنهان نهادهای بین‌المللی هستند که عمده‌تاً در جهت منافع قدرت‌های استکباری فعالیت می‌کنند. چراکه این نهادهای به‌ظاهر بین‌المللی، تا حد زیادی در کنترل قدرت‌های مستکبر هستند و عمده منابع مالی آنان توسط چنین کشورهایی تامین می‌شود. وضوح این ادعا را می‌توان در مباحثی چون اقتصاد سیاسی بین‌الملل مشاهده کرد. هر توافقی نوعی از پذیرش سلطه و تبعیت است. این سازوکارها خصوصاً در توافقنامه‌های بین‌المللی، به قدری پنهان و ظریف تعبیه شده‌اند که در برخورد اولیه، پویایی عملکردی آن مشاهده نمی‌شود و معمولاً نیازی به بررسی‌های کارشناسی، پژوهش‌های علمی یا اختصاص وقت جدی از سوی تصمیم‌گیران ملی احساس نمی‌شود اما پس از مدت زمانی، کشورها را به

وابستگی‌های طولانی‌مدت و گریزناپذیر می‌کشاند. لذا تغافل و تعجیل در تصویب و اجرای این توافقنامه‌ها، زمینه نفوذ، نقض حاکمیت ملی، از رده خارج شدن نهادهای تصمیم گیر ملی، پذیرش تعهد نسبت به هنجارهای جامعه جهانی، اختیاردهی به جامعه جهانی برای تنبیه تعهد دهنده در صورت نقض تعهد و تشدید وابستگی را رقم می‌زند. البته این سخن به معنای نفی تعامل و تبادلات نیست بلکه توجه دهی به نوع ارتباطی است که در این تعامل و تبادل برقرار می‌شود.



نقدهایی به اسناد آموزش ۲۰۳۰ و خصوصاً چارچوب اقدام

اکنون که اجمالاً حکمرانی را تعریف کردیم و از این زاویه، ماهیت تعاملات و تبادلات بین‌المللی را مورد بررسی قرار دادیم، به صورت اجمالی، نقدهایی به اسناد آموزش ۲۰۳۰ و خصوصاً چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰ که در سال ۲۰۱۵ در پاریس به تصویب رسیده است، بیان خواهیم کرد:

۱. ابزارهای تنظیم رفتار و استانداردسازی^۲ در سطح جهانی که توسط سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به کار گرفته می‌شوند در دو سطح طبقه‌بندی می‌شوند (بند ۱۷ چارچوب اقدام^۳):

الف: ابزارهایی همانند کنوانسیون‌ها، توافقنامه‌ها و ... که ماهیت و الزام حقوقی دارند. رفتار خلاف این اسناد بین‌المللی می‌تواند به سازمان‌های بین‌المللی اختیار و حق اعمال تنبیه اقتصادی، نظامی یا ... را بدهد.

ب: ابزارهایی همچون بیانیه، چارچوب اقدام و ... که ماهیت حقوقی ندارند. این اسناد و ابزارها به جهت ماهیت سیاسی و اخلاقی که در سطح بین‌الملل دارند، به کشورهای متعهد برای تنظیم رفتارشان، فشارهایی وارد می‌کنند تا از تعهدات مندرج در این اسناد خارج نشوند. هر چه اجماع جهانی در خصوص این اسناد و محتوای آن‌ها بیشتر باشد، عمل خلاف آن‌ها برای کشورهای غیرمتعهد موجبات هزینه‌های سیاسی بیشتری می‌شود که آثارش را در سایر روابط بین‌الملل این کشورها نشان می‌دهد. لذا کشورها برای اینکه اعتبار و تصویرشان در فضای جهانی مخدوش نشود سعی می‌کنند به این تعهدات تا حد ممکن پایبند بمانند. در این میان کشورهای قدرتمند که می‌توانند آثار این بی‌تعهدی را جبران کنند یا دارای قدرت رسانه‌ای برای مدیریت تصویر جهانی خویش هستند، کمتر به تعهداتشان پایبند می‌مانند یا اینکه از این تعهدات خارج می‌شوند. سند آموزش ۲۰۳۰ که همان بیانیه (declaration) اینچئون کره جنوبی و چارچوب اقدام (framework for action) آموزش ۲۰۳۰ پاریس است، از این دسته اسناد بین‌المللی می‌باشند. پس متوجه هستیم که امضا کردن یا نکردن اسناد آموزش ۲۰۳۰، ماهیت حقوقی داشتن یا نداشتن آن‌ها، داوطلبانه بودن یا نبودن آن‌ها و مسائلی از این دست در اصل اعمال فشار بین‌المللی تأثیر ندارد بلکه تفاوت در نوع و سطح اعمال فشار است.

اساساً شاید بتوان این فرضیه را نیز با همین نگاه به اثبات رساند که چرا جمهوری اسلامی ایران با وجود داشتن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقشه جامع علمی کشور و ...، متعهد به آموزش ۲۰۳۰ نیز شده است؟ قطعاً

^۲ Standard setting instruments

^۳ A number of international standard-setting instruments protect the fundamental human right to education. Legally binding instruments such as treaties, conventions, agreements and protocols, as well as international instruments, such as recommendations and declarations that have political and moral force have established a solid international normative framework for the right to education without discrimination or exclusion. Multi-stakeholder participatory reviews, led by governments, should be undertaken to institute measures to fulfil their obligations and to ensure strong legal and policy frameworks that lay the foundation and conditions for the delivery and sustainability of quality education.

فشار اخلاقی-سیاسی هنجارهای بین‌الملل در این زمینه بی‌تأثیر نبوده است. نتیجه آنکه ما تحت این نوع اعمال سلطه مجبور به ورود به آموزش ۲۰۳۰ شده‌ایم^۴ (گرچه عوامل دیگری نیز وجود دارد و در ادامه ذکر می‌شوند). در جایی که اسنادی چون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش یا نقشه جامع علمی کشور وجود دارد، رجوع به سند آموزش ۲۰۳۰ چه معنایی غیر از پذیرش این فشار جهانی می‌تواند داشته باشد. این فشار از طریق ساخت تصویر از کشورها در قالب رتبه‌بندی شاخص‌های جهانی صورت می‌گیرد. اگر در گذشته، فشارها به سمت جنگ بر سر تعهدات حقوقی بوده است، اکنون فشارها به سمت ایجاد معروف‌ها، منکرها و هنجارهای مورد اجماع جهانی و سنجش آن‌ها بر اساس شاخص‌هاست. از فناوری‌های سندنویسی به کار رفته در این جا برای ایجاد هنجارها، معروف‌ها و منکرات جهانی که امکان تسریع اجماع بین‌المللی را فراهم کرده است، هدف‌گذاری و شاخص‌سازی آن است: سندی که از اصطلاحات کلی و بدون تفصیل و تفسیر اما مشترک لفظی بین کشورها استفاده کرده است، اهدافش برای همه کشورها دست‌یافتنی و قابل اجراست (بند ۲۸ چارچوب اقدام) و شاخص‌هایش در ابتدا، محدود، ساده و قابل سنجش اما در عین حال در تفسیر بسیار منعطف هستند (بند ۷۶ چارچوب اقدام). این شاخص‌ها نه تنها می‌توانند فشار خارجی ایجاد کنند بلکه توان ایجاد فشار داخلی و بسیج افکار عمومی یا نخبگانی علیه وضعیت کشور را نیز دارند. چرا که در داخل نیز اگر کسی بخواهد وضعیت آموزش کشور را معرفی کند، به شاخص‌های جهانی استناد می‌کند در حالی که از معنای دقیق یا کارکرد چنین شاخص‌هایی غافل است.

۲. از سوی دیگر باید توجه داشت که این فرایند یک فرایند بلندمدت است. لذا ممکن است در ابتدا داوطلبانه و غیرحقوقی باشند یا اینکه نقاط چالش‌برانگیز اندکی داشته باشند اما به مرور، تحت یک فرایند تدریجی اجماع‌سازی حداکثری جهانی، به سمت الزام‌آوری بیشتر، پیچیده‌تر شدن و ماهیت حقوقی یافتن می‌روند. چنانکه در بند ۱۲ بیانیه اینچئون هم بر تصمیم برای حرکت به سمت چارچوب حقوقی و خط‌مشی‌ای در همه سطوح از ملی تا بین‌المللی تأکید دارد^۵. رونق مشارکت در تعاملات بین‌المللی آموزش را می‌توان از دهه ۱۹۹۰ میلادی در

^۴ سخنان وزیر آموزش و پرورش، موید همین نکته است: «از آنجا که ایران در بحث آموزش و سلامت، شاخص‌های خوبی دارد، این مساله برای کشور ما بسیار با اهمیت است و از تصورات غلط و برداشت‌های سوء جلوگیری می‌کند». [لینک](#)

همچنین در سخنانی دیگر: «به دلیل مسائل و ارتباطات بین‌المللی، مواردی را که برای ما ایجاد مشکل نکند در جوامع بین‌المللی انجام می‌دهیم اما این حضور ما مبنای آن نمی‌شود که مبانی اخلاقی و ارزشی ما زیر سوال برود، بلکه این موضوع نشان دهنده آن است که شاخص‌های آموزش و پرورش در جمهوری اسلامی ایران، شاخص‌هایی قابل توجه و قابل رقابت با سایر کشورهاست». [لینک](#)

دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران نیز عنوان داشته است که: ما بر اساس پروتکل‌های بین‌المللی عمل می‌کنیم و آمار منتشره از مراکز رسمی کشور را در اختیار آنها قرار می‌دهیم. وقتی اطلاعات مربوط به رعایت استانداردهای آموزشی در تدوین کتب مختلف، درصد بی‌سوادی و باسوادی و غیره را ارائه نکنید، ضد انقلاب این اطلاعات را جعل و چهره کشور را مخدوش جلوه می‌دهد. (۱۳۹۵/۱۰/۱۴ در گفتگو با خبرگزاری ایسنا)

^۵ We are determined to establish legal and policy frameworks that promote accountability and transparency as well as participatory governance and coordinated partnerships at all levels and across sectors, and to uphold the right to participation of all stakeholders.

قالب بیانیه‌ها، توافقنامه‌ها و نشست‌های مختلف مشاهده کرد. از تایلند ۱۹۹۰ تا اینچئون کره جنوبی و پاریس ۲۰۱۵ در سال‌های مختلف، تعهدات سنگین‌تر و مکانیسم‌های پیچیده‌تری طراحی شدند و همواره سعی در اجماع سازی بین‌المللی بوده است. اثر این کار را می‌توان در برنامه «آموزش برای همه» EFA مشاهده کرد که حتی در متن سند تحول بنیادین آموزش و پرورش نیز به آن اشاره شده است.^۶ این برنامه که از ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۵ صرفاً ۶ هدف^۷ داشت در قالبی پیچیده‌تر به ۱۰ هدف آموزش ۲۰۳۰ تبدیل شد. EFA بیشتر حوزه آموزش و پرورش را پوشش داده است لکن آموزش ۲۰۳۰ حوزه‌های دیگری همانند آموزش شهروندی و سلامت را نیز در بر گرفته است. تهدیدات مندرج در این اسناد، ممکن است سال‌ها مورد استفاده قرار نگیرند و در قالب مکانیسم ماشه، مدت‌ها انتظار را تحمل کنند و در موقع ضرورت، بر کشور هدف شلیک شوند. شبهه‌ای در این خصوص مطرح است که مگر چنین تفاهم‌ها یا تعهدات بین‌المللی صرفاً برای کشورهایی چون ایران طراحی شده‌اند؟ در پاسخ باید از استعاره مسابقات فوتبال کمک گرفت. ممکن است حتی قواعد بازی در بهترین حالت، بی‌طرفانه و منصفانه باشند اما بازی بین دو تیم نوجوان و جوانان برگزار می‌شود. به عبارت دیگر، آورده تیم‌ها در بازی جهانی متفاوت است. کشورهای قدرتمند، صرفاً در اهدافی به ایجاد بازی منصفانه اقدام خواهند کرد که صرفاً در آن اهداف، ابتکار عمل را از قبل در اختیار داشته باشند.

۳. ممکن است پرسش شود که با فرض موارد قبل، چه اشکالی در عمل به این تعهدات بین‌المللی وجود دارد و چرا نباید به این تعهدات عمل کرد تا از هزینه حقوقی یا سیاسی عدم رعایت تعهدات نگران باشیم؟ برای پاسخ به این سؤال، باید به سراغ محتوا رفت. محتوای فعلی و محتوایی که در آینده به خاطر پذیرش سلطه فرایند بین‌المللی در حوزه آموزش به ما عرضه می‌شود، دارای تعارضات مبنایی-ارزشی با مبانی و ارزش‌های داخلی است. اگر بخواهیم خلاف ارزش‌ها و مبانی یا اقتضائات اجرایی کشور به آن‌ها عمل کنیم، هدف آن فشارها قرار خواهیم گرفت. پس لازم است که محتوا نیز بررسی شود.

۴. چارچوب اقدام یک متن مختصر در حدود ۳۰ صفحه است. در این متن، از عبارات و اصطلاحاتی استفاده می‌شود که عمدتاً مشترک لفظی هستند اما با معانی که ما برای آن‌ها قائل هستیم، متفاوت‌اند. لذا تفسیر این عبارات و

از جمله در سطح ملی، چنانکه دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو در ایران بیان داشته است: بعد از اعمال نظرات کارشناسان متعدد و تنظیم ویرایش نهایی به صورت لایحه توسط دولت به مجلس می‌رود تا به عنوان مصوبه قانونی برای اجرا ابلاغ شود. (۱۳۹۵/۱۰/۱۴ در گفتگو با خبرگزاری ایسنا)

^۶ راهکار دوم از راهبرد نهم ذیل هدف سوم: بومی سازی و اجرای برنامه «آموزش برای همه»

^۷ Goal ۱ – Early childhood care and education

Goal ۲ – Universal primary education

Goal ۳ – Youth and adult skills

Goal ۴ – Adult literacy

Goal ۵ – Gender equality

Goal ۶ – Quality of education

اصطلاحات می‌تواند اختلاف‌برانگیز شود. اما نکته این است که تفسیر مقبول بین‌المللی با کیست؟ ما به چارچوبی کلی متعهد می‌شویم که تفسیر موارد ابهام، منازعه و ... در آن، توسط ما صورت نگرفته و تفسیر ما در این خصوص معتبر نیست. لذا کسانی که در فضای بین‌المللی حاکم باشند، توان تفسیر به رأی و در جهت منافع خویش دارند. هر چقدر اجماع بین‌المللی بر تفسیر دیگران قرار گیرد، فشار سیاسی و اخلاقی در فضای بین‌الملل علیه ما ایجاد می‌شود. بنابراین در تفسیر و رفع منازعات احتمالی به راحتی از خود سلب اختیار کرده‌ایم. برابری Gender parity/، فراگیری و شمولیت Inclusion، تبعیض جنسیتی Gender parity/، خشونت Violence، صلح Peace، توسعه پایدار Sustainable development، Discrimination، شهروندی جهانی Global citizenship، کیفیت Quality، حقوق بشر Human right، مشارکت participation، جامعه مدنی Civil society، حکمرانی خوب Good governance، شفافیت Transparency، اقشار آسیب‌پذیر و طردشده و به حاشیه رانده‌شده Vulnerable and marginalized، آموزش‌های جامع جنسی Comprehensive sexuality education، تساهل and excluded groups و تسامح Tolerance و ... از جمله مفاهیم کلیدی در سند ۲۰۳۰ هستند که به صورت کلی طرح شده و نیازمند مذاقه بیشتری هستند.



۵. برخی از همین عبارات و اصطلاحات برای ما نیز مسئله ملی بوده‌اند اما صرفاً به این دلیل نباید تحت حاکمیت تفسیر دیگران از این عبارات رفت. برای فهم معنا و تفسیر جهانی از این عبارات و اصطلاحات، می‌توان به گزارشات و سایر اسناد نهادهایی چون یونسکو مراجعه کرد. در اینجا قصدی بر ورود تبیینی به محتوای آموزش ۲۰۳۰ وجود ندارد اما در یک ورود اجمالی می‌توان اشاره کرد که سند و دستورکار توسعه پایدار ۲۰۳۰ به دنبال

الگوی نوینی از توسعه مشحون از ارزش‌های لیبرال دموکراسی است و آموزش، به عنوان پاشنه آشیل و زیرساخت اصلی تحقق همه اهداف توسعه پایدار ۲۰۳۰ محسوب می‌شود. آموزش برخلاف گذشته، در بطن فرایند توسعه قرار گرفته است و نه در کنار آن. در واقع مسئله اصلی ۲۰۳۰ یک توسعه اقتصادی-اجتماعی خاص است که نیازمند انسان‌های در تراز آن می‌باشد. محتوای آموزش برای این توسعه، تربیت انسان و سبک زندگی در تراز جامعه لیبرال است. از این رو، همه عرصه‌های آموزش، در همه سطوح، برای همه و برای همیشه را در بر گرفته است.^۸ در بهترین حالت و با خوش‌بینانه‌ترین تفسیر از محتوای سند، می‌توان مدعی شد که کشور در عرصه تعلیم و تربیت دچار نوعی تقلیل‌گرایی شده است. به عبارت دیگر، فناوری هدف‌گذاری چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰، نظام تعلیم و تربیت را به جای توجه به ارزش‌های متعالی انسانی و اسلامی، به ارزش‌های متوسط و دانی مشغول می‌سازد و نیروهای فعال کشور را از رسالت تاریخی خویش باز می‌دارد. با این مفروضات می‌توان گفت که اصل رجوع به یک نهاد بین‌المللی برای عرصه تعلیم و تربیت و سبک زندگی در عین علم به ماهیت سیاسی آن‌ها، یک مراجعه باطل است. اما اگر هم این مراجعه یا تعامل بنا به هر دلیلی ضرورت اجرایی (نه ذاتی) می‌یابد باید نسبت به این موارد آگاه و حساس بود و راه‌های کاهش آسیب‌پذیری و نیز ورود فعال را طراحی کرد.

۶. جمهوری اسلامی ایران، ناظر به چارچوب اقدام، حق تحفظی reservation را اعلام کرده است که در آن، از عدم تعهد به تعارضات آموزش ۲۰۳۰ با ارزش‌های ملی و اسنادی از جمله سند تحول بنیادین خبر داده است. نگاهی که موجب می‌شود حق تحفظ را فیلتری برای آموزش ۲۰۳۰ محسوب کند همان نگاه حقوقی است در حالی که وقتی بر آموزش ۲۰۳۰ و محتوایش اجماع بالایی باشد، حتی حق تحفظ نیز نمی‌تواند فشار اخلاقی-سیاسی جهانی را کاهش دهد. در عین حال، متأسفانه در این تحفظ، مباحثی به عنوان مشترکات ایران با آموزش ۲۰۳۰ مطرح شده است که دقیقاً به لحاظ محتوایی با آن‌ها دچار چالش هستیم: آموزش برابر با کیفیت برای دختران و پسران، تحصیل دانش و ارتقاء بینش نسبت به ایجاد جامعه‌ای پایدار و عاری از خشونت، احترام به تنوع فرهنگ‌ها و تعامل در جهت توسعه پایدار. آنچه در این حق تحفظ اشاره شده است همان مشکل اشتراک لفظ و نهاد مفسر متن را با خود دارد. این حق تحفظ به مشترکات ایران با آموزش ۲۰۳۰ اشاره کرده است فلذا تحت تفسیر آموزش ۲۰۳۰، تفسیر می‌شود. در عین حال به دلیل پیچیدگی در طراحی سند و به‌کارگیری فناوری پیشرفته‌ای در سندنویسی، چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰ به نحوی طراحی شده است که ارزش‌هایش در عمده عناصر و بخش‌هایش متجلی است. لذا عدم تحقق یک هدف، به منزله عدم تحقق همه اهداف تلقی شده است و اصطلاحاً با روح سند در تضاد است. چنانکه در متن سند نیز چنین اشاره شده است: «No education target»

^۸ باید دقت داشت که سند آموزش ۲۰۳۰، مبتنی بر حق (right) بشر نسبت به حقوق و آزادی‌های اساسی بی‌انیه حقوق بشر طراحی شده است: حق برابر همه انسان‌ها (بدون هر نوع تبعیض فرهنگی، سیاسی، نژادی، اقتصادی، قومیتی، زبانی و ...) برای برخورداری از آموزش باکیفیت (کیفیت متناسب با توسعه پایدار) و حضور همه گروه‌های هدف در فرایند حکمرانی آموزش. از این رو، سند آموزش ۲۰۳۰ به‌نوعی عدالت لیبرال و اصلاح نظام حکمرانی کشور متعرض می‌شود که در نوشتاری دیگر به آن خواهیم پرداخت.

«should be considered met unless it is met by all». این تغایر که به مثابه «شرط خلاف مقتضی عقد» است نه «شرط ضمن عقد»، می‌تواند بستر ظهور همان اعمال فشارهای سیاسی-اخلاقی قرار گیرد. مجدداً متذکر می‌شود که در این مسئله، به هیچ وجه از زاویه حقوقی استفاده نمی‌کنیم و اساساً مورد بحث نیست.

۷. یکی از فناوری‌های به کار رفته در این سند که بر پیچیدگی آن افزوده است، ارجاع سند آموزش ۲۰۳۰ به اسناد بین‌المللی دیگر و لزوم تعهد پنهان به آن‌هاست. در متن چارچوب اقدام ۲۰۳۰، به مفاهیم، ارزش‌ها یا برنامه‌هایی اشاره شده است که مبنای این سند قرار دارند یا این سند قرار است آن برنامه‌ها را محقق سازد. بند دهم چارچوب اقدام ۲۰۳۰ به برخی از این اسناد اشاره دارد که بعضاً مورد موافقت جمهوری اسلامی ایران نیستند:

- a. ماده ۲۶ بیانیه جهانی حقوق بشر^۹،
 - b. پیمان‌نامه مبارزه با تبعیض در آموزش^{۱۰}،
 - c. پیمان‌نامه حقوق کودک^{۱۱}،
 - d. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی^{۱۲}،
 - e. پیمان‌نامه سازمان ملل متحد در مورد حقوق معلولان^{۱۳}،
 - f. پیمان‌نامه رفع هرگونه تبعیض علیه زنان^{۱۴}،
 - g. پیمان‌نامه مربوط به وضعیت پناهندگان^{۱۵}،
 - h. قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد حق آموزش در شرایط اضطراری^{۱۶}
- این اسناد پشتیبان و سایر گزارش‌ها و برنامه‌هایی که در عقبه چارچوب اقدام ۲۰۳۰ قرار دارند، هم تفسیری برای مفاهیم و ارزش‌های آموزش ۲۰۳۰ هستند و هم می‌توانند جهت‌گیری محتوایی آموزش ۲۰۳۰ را به ما نشان دهند. علاوه بر این، گستره تعهدات پیدا و پنهان آن را نیز مشخص می‌سازند.
۸. در این سند و اسناد مشابه به جهت ماهیت غیرحقوقی آن‌ها، فرایند بازگشت‌پذیری و تجدیدنظر تعریف نمی‌شود. لذا شوق ورود به تعهدات، توجه ما را از فرایندهای خروج بدون هزینه یا کم هزینه دور می‌کند. گرچه اسناد غیرحقوقی نیازی به این امور ندارند اما به جهت الزام سیاسی-اخلاقی موجود، تصریح در این موارد، هزینه‌های غیرحقوقی را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر با توجه به جریانی که درنهایت به دنبال حقوقی کردن این امور

^۹ Article ۲۶ of the Universal Declaration of Human Rights

^{۱۰} the Convention against Discrimination in Education

^{۱۱} the Convention on the Rights of the Child

^{۱۲} the International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights

^{۱۳} the UN Convention on the Rights of Persons with Disabilities

^{۱۴} the Convention on the Elimination of All Forms of Discrimination against Women

^{۱۵} the Convention relating to the Status of Refugees

^{۱۶} the UN General Assembly Resolution on the Right to Education in Emergency Situations

است، عدم توجه به فرایند بازگشت‌پذیری و تجدیدنظر ممکن است نهاده‌شده شود. البته از سوی دیگر به جهت باز بودن و امکان مشارکت در فرایندهای بین‌المللی، می‌توان با مشارکت فعال از چنین هزینه‌هایی کاست. تفصیل این موارد در بخش پیشنهادات بیان خواهد شد.

۹. سند چارچوب اقدام در سطوح مختلفی تدوین و اجرا می‌شود. تدوین برنامه، هدف‌گذاری کلان و تدوین راهبردهای کلان در سطح جهانی صورت می‌گیرد اما هدف‌گذاری‌های خرد و تدوین راهبردهای اجرایی در سطح ملی انجام می‌شود. بخش اول توسط گروه مشاوران یونسکو صورت پذیرفته و در قالب چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰ به کشورهای مختلف ارائه شده است تا آن‌ها مطابق اقتضائات خود به هدف‌گذاری و تدوین راهبرد در سطح خرد و اجرایی اقدام کنند. یونسکو مدعی است که راهبردهای ارائه شده در سطح کلان، اولاً ناظر به واقعیت‌ها، ظرفیت‌ها و سطوح توسعه‌یافتگی متفاوت ملی و نیز در احترام به خط‌مشی‌ها و اولویت‌های ملی است؛ ثانیاً قرار است این راهبردها در تناسب با اقتضائات بومی، تبدیل به برنامه‌ها و راهبردهای ملی شوند (بند دوم مقدمه چارچوب اقدام^{۱۷}). به نظر می‌رسد سطح مداخله دولت‌ها، صرفاً اجرای متناسب با اقتضائات ملی است نه اینکه دولت‌ها مجاز باشند تا اهداف را به کلی نقض کنند.

سطوح برنامه	تدوین برنامه	هدف‌گذاری کلان	هدف‌گذاری خرد	تدوین راهبردهای کلان	تدوین راهبردهای خرد	تدوین راهبردهای اجرایی
قلمرو تحقق	جهانی	جهانی	منطقه‌ای/ملی	جهانی	منطقه‌ای	ملی

سیری که در تدوین این سند گنجانده شده است قابل ملاحظه می‌باشد: متن سند در اهداف و راهبردها به دلیل به کار رفتن اصطلاحات دویپهلو مبهم است؛ سند یک سند در حال تکمیل در طی زمان است؛ دائماً در حال تکمیل و پیچیده‌تر شدن است؛ در آینده به سمت الزام‌آورتر شدن می‌رود و شرایطی برای خروج از آن تمهید نشده است. با این توضیح که سطح کلان آموزش ۲۰۳۰ به صورت ملی تدوین نمی‌شود و ضمناً کشور، وارد یک تعهد نامشخص می‌شود، امکان هر نوع تغییری در آینده وجود دارد که نوعی تهدید و از جنبه دیگر نوعی فرصت محسوب می‌شود.

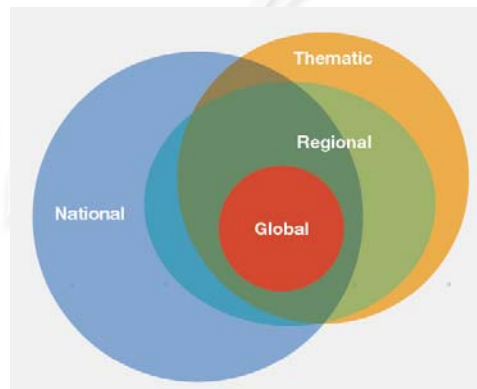
۱۰. ساختار محتوایی سند عبارت است از: اهداف، راهبردها، شاخص‌ها. در این فناوری، به جای اینکه سعی در شناسایی همه خلأها، برنامه‌ریزی برای رفع همه خلأها، نگارش متنی تفصیلی در مبانی و مسائلی از قبیل صورت گیرد، مجموعه اهداف درهم‌تنیده اما ساده و قابل فهم برای همه کشورها تعیین شده است. این اهداف به مثابه گره‌ها و نقاطی اهرمی در تحول نظام آموزشی و به تبع وضعیت علمی-فرهنگی هر کشور محسوب می‌شوند و

^{۱۷} It also proposes indicative strategies which countries may wish to draw upon in developing contextualized plans and strategies, taking into account different national realities, capacities and levels of development and respecting national policies and priorities.

بسیار هوشمندانه و منسجم انتخاب شده‌اند (دسترسی برابر و بدون تبعیض همه آموزش باکیفیت و دسترسی به مشارکت در طراحی و مدیریت فرایند این آموزش). سپس برای این بسته منسجم، اهداف خرد به نحوی تدوین شده‌اند که به صورت تقریباً هولوگرافیک تجلی‌بخش هدف اصلی هستند. این اهداف در قالب انتخاب نقاط اهرمی و تحول‌آفرین عرصه آموزش به میدان آمده‌اند: اصلاح نظام آموزشی، مشارکت جامعه مدنی در مدیریت آموزش، اصلاح برنامه و متن درسی، تربیت و معیشت معلم، بورسیه تحصیلی، تامین مالی، تأیید و به رسمیت شناسی مدارک تحصیلی.

۱۱. برای هر هدف نیز راهبردها و شاخص‌هایی تدوین شده است. کنترل اهداف، نه بر اساس تحقق برنامه‌ها بلکه بر اساس کنترل شاخص‌ها صورت می‌پذیرد. بر اساس پایش این شاخص‌ها، گزارشاتی تهیه و برای تقویت تعهد کشورها به تحقق اهداف، از مکانیسم‌هایی چون پاسخگویی *accountability*، هماهنگی بین‌المللی *coordination*، پایش و پیگیری *follow-up and review* بهره می‌برد. امروزه نظارت و کنترل جهانی به سمت کنترل بر اساس شاخص‌ها صورت می‌پذیرد که برای نهادهای بین‌المللی بسیار سریع، ساده و کم هزینه و در عین حال متقن است. به عبارت دیگر، مهم نیست چگونه هدف را محقق می‌کنید اما باید محقق کنید.

۱۲. شاخص‌ها، امروزه یکی از مهم‌ترین عوامل در ساخت تصویر و وجهه بین‌المللی یک کشور هستند. آن‌ها می‌توانند به راحتی فشارهای بین‌المللی را بر یک کشور وارد کنند تا آن کشور را در جهت اقدام خاصی، تحریک کنند. در سند آموزش ۲۰۳۰، چهار دسته شاخص تعبیه شده است: جهانی، موضوعی، منطقه‌ای و ملی.



برخی از این شاخص‌ها کمی و برخی کیفی هستند. برخی مشخص و معین‌اند و برخی هنوز در تعریف و نحوه گردآوری داده و سازوکار پایش دارای ابهام هستند. نکته مهم آنکه شاخص‌هایی چون آموزش شهروندی که محل چالش هستند، به نحوی باید سنجش شوند که به حیث مفهوم و روش، مورد اجماع جهانی باشند. برخی از این شاخص‌ها ناظر به سطح جهانی هستند و به جهت اینکه در سطح جهانی امکان مقایسه وجود داشته باشد، باید به صورت استاندارد تعریف و پایش شوند. اما سؤال این است که چرا مباحثی مثل آموزش شهروندی باید به عنوان شاخص جهانی تعریف شود نه شاخص ملی. چرا که اگر به عنوان شاخص ملی تعریف می‌شد، بر اساس

ارزش‌های ما امکان سنجش داشت. از این جهت است که مدعی هستیم، تفسیر مفاهیم و ارزش‌های چالش‌برانگیز در این سند، چندان به انتخاب و اختیار دولت‌ها نیست. مطابق بند ۱۰۰ چارچوب اقدام، شاخص‌ها محدود به آنچه در این نسخه از چارچوب اقدام آمده نمی‌باشند بلکه موسسه آمار یونسکو دائماً در حال اصلاح و تولید شاخص‌های جدید است. همچنین شاخص‌هایی که فعلاً سنجش می‌شوند، عمدتاً ساده هستند و امکان تولید و سنجش شاخص‌های ترکیبی بر اساس همین شاخص‌ها وجود دارد.

۱۳. بخش سوم سند چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰ به فرایند اجرایی ساختن چارچوب اقدام پرداخته است که شامل چهار بخش می‌شود:

• حکمرانی، پاسخگویی، همکاری، Governance, accountability and partnerships

چارچوب اقدام تلاش دارد تا اصلاح نظام آموزشی را از طریق اصلاح ساختار تصمیم‌گیری نظام آموزشی کشورها تغییر دهد. از این رو، با تلاش در راستای دموکراتیک‌تر کردن آموزش و حرکت به سمت تحقق پارادایم حکمرانی (با قرائت حکمرانی خوب)، قرار است در قالب شبکه‌ای از عناصر فعال اجتماعی، مشارکت و پاسخگویی را رقم زند تا از تحقق انتظارات همه ذینفعان آموزش اطمینان حاصل کند. تفاوت این سند با گذشته در آن خواهد بود که در اینجا دیگر دولت، قوه قاهره و تصمیم گیر نهایی نیست بلکه در یک فرایند قراردادگرایانه، تعاملی و تا حد بسیار سیاسی، هر آنچه از شبکه این عناصر خارج شود، جهت‌گیری آموزش را مشخص خواهد ساخت. این کار در حقیقت، نیازمند تغییر نظام حکمرانی و بوروکراسی موجود کشور است نه صرفاً یک سری اقدامات خاص. علاوه بر دولت در این نظام جدید، عناصری چون: سازمان‌های جامعه مدنی؛ معلمان و آموزش یاران؛ بخش خصوصی، سازمان‌ها و بنیادهای بشردوستانه؛ جامعه پژوهشی و نهایتاً جوانان در نقش‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی حضور فعال‌تری خواهند داشت.

در عین حال باید دقت داشت که تمرکز سند چارچوب اقدام بر توانمندسازی و مشارکت دهی اقلیت‌هایی است که می‌توانند زمینه‌ساز تغییرات وسیع اجتماعی شوند. اقلیت‌ها، خصوصاً اقلیت‌های مذهبی، قومی و سیاسی به شدت منسجم‌تر از اکثریت حاکم بر جامعه هستند. از آنجا که توانمندسازی اقلیت‌ها بر اساس اندیشه‌های لیبرال دموکراسی صورت خواهد پذیرفت، تقویت این گروه‌ها به منزله بسترسازی برای تغییرات اجتماعی گسترده به سمت تحقق دموکراسی است. بند ۱۸ و بندهای ۷۸ تا ۸۵ چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰ به تبیین نحوه تحقق این اندیشه می‌پردازد. کمک‌های مالی خارجی نیز این کمک به این اقلیت‌ها را در اولویت قرار می‌دهند.

• هماهنگی مؤثر Effective coordination

در جهت تضمین تحقق اهداف آموزش ۲۰۳۰، علاوه بر نقش‌آفرینی جدی وزارت آموزش هر کشور، نیاز به ورود کلیت دولت نیز احساس می‌شود (بند ۸۶ چارچوب اقدام). در عین حال، هنوز تضمین کافی صورت پذیرفته و همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی هستند که می‌توانند التزام کافی به رعایت اهداف را محقق کنند. در این بین نقش سازمان‌هایی چون بانک جهانی، یونسکو، یونیسف و ... پررنگ‌تر خواهد شد. نشست‌های جهانی و منطقه‌ای آموزش، کنفرانس‌ها، پیگیری نهادهای مختلف بین‌المللی از قبیل کمیته راهبری آموزش ۲۰۳۰ و اعمال فشارهای مختلف مهم‌ترین رویکرد در این هماهنگی است (بند ۹۳ چارچوب اقدام). به طور مثال در بند ۹۲ چارچوب اقدام به نقش‌های ویژه یونسکو اشاره می‌کند: تداوم دهی به تعهد سیاسی کشورها، ظرفیت‌سازی، تسهیل گفتگوهای ملی، ترویج همکاری‌های بین‌المللی، پایش اهداف، هدایت ذی‌نفعان و ... از جمله می‌توان تجربه این کار را در تهیه نسخه پیشنهادی سند ملی آموزش ۲۰۳۰ برای جمهوری اسلامی ایران ذیل مدیریت کمیسیون ملی یونسکو در ایران مشاهده کرد. این کمیسیون توانست مسئولان و نخبگان ملی را مشارکت داده، وارد فرایندهای تصمیم‌ساز خود کند و نسخه پیشنهادی کاری که قرار بود همین مسئولان در قالب کارگروه ملی آموزش ۲۰۳۰ (مصوب شهریور ۱۳۹۵ هیئت وزیران) انجام دهد را به خودشان ارائه دهد^{۱۸}. مشاهده می‌شود که بدون هیچ گونه الزام حقوقی، یونسکو موفق می‌شود که این فرایند را پیش برد. پر واضح است که اگر قرار باشد زمانی مسئولان کشوری، سند مصوب ملی تدوین کنند، چندان با آنچه ذیل هدایت و مدیریت کمیسیون ملی یونسکو تدوین شده است، تفاوتی نخواهد داشت.

• پایش، پیگیری و بازبینی بر اساس خط‌مشی‌های شاهد محور Monitoring, follow-up and review for evidence-based policies

مسئولیت اصلی پایش تحقق اهداف آموزش ۲۰۳۰ بر عهده دولت‌هاست ولی همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد مبتنی بر این پایش و سایر منابع اطلاعاتی، نهادهایی از قبیل موسسه آمار یونسکو نیز به پایش اقدام می‌کنند. سازوکار هماهنگی مؤثر که مورد اشاره قرار گرفت در ظرفیت‌سازی برای پایش و نیز پیگیری برای پایش نیز تداوم می‌یابد تا کشورها بتوانند به صورت حداکثری به این پایش و پیگیری و نیز اصلاح فرایندهای خود اقدام کنند. از سوی دیگر چنان که در انتهای بند ۹۹ چارچوب اقدام آمده است، گزارشات پایش ملی با گزارشات نهادهای بین‌المللی در سایر عرصه‌ها همچون گزارش حقوق بشر نیز تطبیق داده می‌شوند. این امر حاکی از آن است که اولاً نهادهای بین‌المللی به صرف ارائه گزارش‌های ملی اکتفا نکرده و دست به راستی‌آزمایی می‌زنند و از سوی دیگر از این اطلاعات در

^{۱۸} چنانکه دبیر کل کمیسیون ملی یونسکو اشاره می‌کند: قرار شد سند ملی آموزش توسط کمیسیون ملی یونسکو تدوین شود که تمام اقدامات تدوین با ۳۰ کارگروه انجام شد چراکه عقیده بر این بود افرادی که قرار است این سند را اجرایی کنند بهتر است در روند تدوین نیز حضور داشته باشند. (۱۳۹۵/۱۰/۱۴ در گفتگو با خبرگزاری ایسنا)

جهت تقویت فعالیت سایر نهادهای بین‌المللی نیز بهره می‌برند. از جمله می‌توان به چالش جمهوری اسلامی ایران در مسئله حقوق بشر اشاره کرد که بر اساس این پایش‌ها، امکان تقویت فعالیت علیه جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌شود. با توجه به اینکه اهداف توسعه پایدار در ۱۷ محور پیگیری می‌شود و اطلاعات حاصله در کنار هم تحلیل خواهد شد، تمامی داده‌ها برای برنامه‌ریزی راهبردی و بلندمدت تهدیدات علیه جمهوری اسلامی ایران وجود خواهد داشت. تلاقی وضعیت آموزش با وضعیت فعالیت‌های صنعتی، کشاورزی و نظامی می‌تواند زمینه‌ساز تهدیدات بلندمدت شود. متأسفانه به جهت نبود نهادی ملی که بتواند بر کلیت تعاملات عرصه بین‌الملل (نه صرفاً روابط خارجی) ما اشراف داشته باشد، از رصد چنین تهدیدهایی محروم هستیم. افشای اطلاعات آن قدر وسیع خواهد بود که از آن به Data revolution (انقلاب اطلاعاتی/ داده‌ای) نام برده می‌شود (بند ۱۰۲ چارچوب اقدام).

• تامین مالی Financing

اختصاص سالانه حداقل ۴ تا ۶ درصد GDP یا ۲۰ درصد هزینه‌های عمومی کشور به حوزه آموزش توسط دولت‌ها، مهم‌ترین منابع لازم برای تحقق اهداف آموزش ۲۰۳۰ است. این در حالی است که جمهوری اسلامی ایران به دلیل اندازه بزرگ وزارتخانه آموزش و پرورش، تقریباً این امر را محقق کرده است و در عین حال مشکل معیشت معلمان، طرح‌های توسعه آموزش و هنوز معطل بودجه بیشتر هستند. با این وجود اگر قرار باشد آموزش ۲۰۳۰ محقق شود، منابع از کجا تامین اعتبار می‌شوند؟ در تامین مالی آموزش ۲۰۳۰ دو سازوکار دیگر برای تامین اعتبار لحاظ شده است: اول ایجاد فضای مشارکت بخش غیردولتی، شفافیت و ارتقاء کارایی در مصرف بودجه آموزش؛ دوم تامین مالی خارجی. کنترل از مسیرهای تامین مالی را می‌توان یکی دیگر از سازوکارهای جهانی برای مداخله در امور داخلی کشورها دانست. این گزاره به وضوح در حوزه کمک‌های توسعه‌ای به کشورهای در حال توسعه، کمک‌های صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی مشاهده شده است. شروطی که ضمیمه این کمک‌هاست زمینه‌ساز تحقق برخی تغییرات مدنظر نهادهای بین‌المللی است و اعطای کمک‌های بین‌المللی نیازمند رعایت این شروط است. علاوه بر این چنانکه در بند ۱۰۷ چارچوب اقدام اشاره شده است، این کمک‌ها با اولویت مصرف در محل‌هایی است که دولت‌ها کمتر توجه داشته‌اند یا محل‌هایی است که اقشار طردشده و آسیب‌پذیر و به حاشیه رانده‌شده قرار دارند. لذا این کمک‌ها نیز برای مدیریت دولت‌ها در تحقق اهداف جهانی است. در عین این‌که الزام حقوقی وجود ندارد اما همه شرایط برای الزام غیرحقوقی و دقیقاً داوطلبانه فراهم شده است.

چه باید کرد؟

در اینجا مختصری از نقدهای ناظر به حکمرانی آموزش ۲۰۳۰ به صورت اجمال بیان شد که امید است به تدریج تکمیل و تدقیق شوند. نقدهایی نیز به نحوه عمل مسئولان کشور در مواجهه با این جریان و تدوین سند ملی آموزش ۲۰۳۰ وجود دارد که برخی را به صورت فهرست‌وار بیان کرده و نسخه‌های آتی این گزارش، تفصیل خواهیم داد:

۱. عملکرد ضعیف در بازه ۲۰۱۲ تا ۲۱۰۵ در جریان تهیه و تصویب چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰.
 ۲. خلط تعامل بین‌المللی با لزوم الحاق به اسناد تعهدآور بین‌المللی.
 ۳. شوق نسنجیده در تعاملات خارجی با نهادهای بین‌المللی و حرکت به سمت جهانی‌شدن؛ مثل شوق قرار گرفتن ایران در جایگاه اول کشورهای پیشگام آسیا و اقیانوسیه در تمهید سند ملی آموزش ۲۰۳۰.
 ۴. پذیرش تعهدات بیش از انتظار چارچوب اقدام در قالب سند ملی آموزش ۲۰۳۰.
 ۵. ضعف در مکانیسم نهادی کنترل بر تعاملات خارجی توسط نهادهای داخلی از جمله شورای عالی انقلاب فرهنگی.
 ۶. ضعف عملکردی نمایندگی دائم ایران در یونسکو در این رابطه.
 ۷. تعهد بین‌المللی ایران به چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰؛ نه تعهد به سند ملی آموزش ۲۰۳۰.
 ۸. فعالیت‌های جزیره‌ای کارگروه‌های ۳۰گانه مشارکت‌کننده در تهیه سند ملی آموزش ۲۰۳۰.
 ۹. ضعف عملکردی کمیسیون ملی یونسکو در ایران در این زمینه.
 ۱۰. نبود برآورد و پیوست‌های اقتصادی، بودجه‌ای، زیرساخت اداری، حقوقی و ...
 ۱۱. ضعف عملکرد مجلس شورای اسلامی در بررسی تعارض چارچوب اقدام آموزش ۲۰۳۰ با اسناد، برنامه‌ها و قوانین ملی.
 ۱۲. اشکالات و آسیب‌شناسی سند ملی آموزش ۲۰۳۰.
 ۱۳. ضعف و نقایص محتوایی داخلی در خصوص همکاری‌های بین‌المللی، اشتغال زنان، ترویج فناوری اطلاعات، عدالت جنسیتی، آموزش مسائل جنسی، نظریه مشارکت در آموزش و
- گذشته از چنین نقدهایی، باید برای آینده اندیشید و از آسیب‌های احتمالی کاست و از فرصت‌ها نیز بهره برد. به صورت اجمالی می‌توان مواردی را در قالب پیشنهاد و دستورکار آتی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با آموزش ۲۰۳۰ بیان کرد:

► ایجاد تیم‌های کارشناسی قوی در رصد، پایش و ارزشیابی روابط و تعاملات بین‌المللی علمی-آموزشی

- ▶ بررسی مسیر طی شده و اسناد موجود در تعاملات بین الملل آموزشی برای فهم مکانیسم های حکمرانی موجود و اقدام برای طراحی مکانیسم متناسب با منافع خود
- ▶ طراحی سازوکارهای شفافیت، کنترل و هماهنگی بین نهادهای مسئول در حوزه تعاملات بین المللی
- ▶ تدوین دکترین و سند تعاملات و تبادلات علمی-آموزشی کشور^{۱۹}
- ▶ طراحی و تدوین نظام ابزارهای تعاملی در روابط بین الملل آموزش
- ▶ اصلاح نگاه غرب زده یا خودباخته یا غافل برخی مسئولان: اشکال در دستگاه محاسباتی برخی مسئولان و نخبگان
- ▶ تربیت نیروی متناسب و در تراز جمهوری اسلامی به عنوان نماینده کشور در تعاملات و مذاکرات بین المللی آموزش
- ▶ ورود فعال به نهادهای طراحی شاخص، پایش، اجماع ساز و ... بین المللی البته به شرط ورود فعال، تهاجمی و از پیش طراحی شده.

^{۱۹} چنانکه بر اساس سخنان دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی، رهبر معظم انقلاب اسلامی به شورای عالی انقلاب فرهنگی، دستور تدوین سند جامع مراودات بین المللی آموزش، پژوهش و علم و فناوری داده اند.

تحلیل های موضوعی از سند آموزش ۲۰۳۰: عدالت به مثابه برابری

در مفهوم پردازی عدالت آموزشی می توان به دو زاویه بحث پرداخت: ۱. بحث از رشد متعادل فضایل اخلاقی و بارور سازی استعدادهای درونی. ۲. توزیع عادلانه مواهب، فرصت ها و دسترسی های آموزشی که در دسترسی های آتی و شان و بهره مندی های آینده موثرند. حال باید پرسید که سند آموزش ۲۰۳۰ چه تصویری از عدالت آموزشی را دنبال می کند؟

سند آموزش ۲۰۳۰ از یک منظر، سند عدالت خواهی در آموزش است که بر مدار قرائت لیبرال از عدالت اجتماعی بنیان نهاده شده است. آموزش ۲۰۳۰ مبتنی بر حقوق و آزادی های اساسی انسان ها از جمله حق آموزش برای همگان طراحی شده است. لذا اولاً همگانی بودن و ایجاد دسترسی همه افراد (آموزش فراگیر) به آموزش موضوعیت دارد و ثانیاً به جهت حفظ آزادی ها و عدم تحمیل محتوای آموزشی، این دسترسی ناظر به آزادی در تحقق نیازهای آموزشی هر طبقه و گروه اجتماعی است. در عین حال باید توجه داشت که همه این محتواها قرار است توسعه پایدار را رقم زنند. توسعه پایدار سه رکن دارد: رکن اقتصادی، رکن اجتماعی و رکن زیست محیطی. تجلی حقوق بشر، صلح، تساهل و تسامح، دموکراسی، شہروندی و را می توان در محتوای این سه رکن مشاهده کرد؛ ارزش هایی که تضمین کننده آزادی هاست.

حال که دسترسی به آموزش آزاد برای همگان فراهم شد، لازم است به ساختار نظام آموزشی و تصمیم گیری آن نیز دقت کرد. چه تضمینی وجود دارد که اکثریت حاکم بر یک نظام آموزشی، این حق را به اقلیت های مذهبی، سیاسی، اجتماعی و ... بدهند؟ هیچ چیز جز مشارکت خود آنان در تصمیم گیری آموزشی. بنابراین باید ساختار تصمیم گیری و مدیریت نظام آموزشی از یک ساختار بسته به یک ساختار باز تغییر کند تا امکان مشارکت همه آن گروه ها در تصمیم گیری و مدیریت نظام آموزشی نیز فراهم شود. این امر، مستلزم نوعی دموکراتیزه کردن نظام آموزشی و حرکت به سمت ساختارهای شبکه ای و مکانیسم های مشارکتی است. در این ساختارها دیگر دولت در عین اینکه بازیگر قدرتمندی است اما فاعل مطلق به شمار نمی رود. حضور اقلیت های مختلف در نظام تصمیم گیری و مدیریت آموزش، نوعی نگاه قراردادگرا و غیر غایت محور را به آموزش کشور تحمیل می کند. از سوی دیگر فرض می شود به جهت اینکه اقلیت ها معمولاً در استضعاف بوده اند، توانمندی مشارکت و مقابله با قدرت سیاسی جریان حاکم را ندارند. لذا در آموزش ۲۰۳۰ بر توانمندسازی اقلیت ها خصوصاً در جهت نقش آفرینی اجتماعی و توان ایجاد تغییرات اجتماعی تاکید می شود.

بنابراین آموزش ۲۰۳۰ هم ناظر به انتقال ارزش های لیبرال طراحی شده است و هم ناظر به تغییر نظام آموزشی به سمت نظامی غیرمتمرکز و دموکراتیک و در عین حال مبتنی بر تقویت و توانمندسازی اقلیت ها و نیروهای اجتماعی که امکان ایجاد تغییرات اجتماعی-فرهنگی-سیاسی وسیع و رادیکالی دارند. لذا باید منتظر تحولات اجتماعی عمیقی بود. و نکته آخر این است که ما با آموزش ۲۰۳۰ کدام نوع اقلیت سیاسی، فرهنگی، مذهبی، زبانی و را به رسمیت خواهیم شناخت؟

تحلیل‌های موضوعی از سند آموزش ۲۰۳۰: آموزش فراگیر

فراگیری (inclusion) یکی از ارکان محتوایی آموزشی است که سند آموزش ۲۰۳۰ در پی تحقق آن است. در بند ۵ چارچوب اقدام آمده است: «همه افراد، بدون توجه به جنسیت، سن، نژاد، رنگ پوست، قومیت، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا غیره، خاستگاه ملی یا اجتماعی، دارایی یا محل تولد، داشتن یا نداشتن معلولیت، افراد مهاجر، افراد بومی، کودکان و جوانان؛ به ویژه آنان که در شرایط آسیب‌پذیر و یا شرایط دیگری^{۲۰} قرار دارند، باید به آموزش فراگیر، برابر و فرصت‌های یکسان برای یادگیری مادام‌العمر دسترسی داشته باشند». آنچه معمولاً از فراگیری به ذهن متبادر می‌شود، مسئله معلولان یا تفاوت قومیتی است در حالی که این مفهوم ناظر به هر نوع طرد شدن یا به حاشیه رفتن است. حذف سیاسی، مذهبی و فرهنگی-اجتماعی از جمله حساسیت‌های این رکن سند آموزش ۲۰۳۰ است.

اما منظور از اقشار آسیب‌پذیر و طردشده و به حاشیه رانده‌شده Vulnerable and marginalized and excluded groups چه کسانی می‌توانند باشند؟ در کنار مصادیق رایج، به نظر می‌رسد که مصادیق دیگری نیز قابل تفسیر هستند. در سایت یونسکو، به برخی مصادیق این فراگیری اشاره شده است:

«یونسکو نمی‌پذیرد که کشوری، هدف چهارم توسعه پایدار را محقق کرده باشد در حالی که دانش‌آموزانش، خشونت را تجربه کرده باشند یا اینکه نسبت به خشونت در معرض تبعیض باشند؛ خشونتی که ناظر به جنس واقعی یا ادراک شده آنان و هویت جنسیتی آنان باشد».

UNESCO recognises that no country can achieve Sustainable Development Goal ۴ - to ensure inclusive and equitable quality education and promote lifelong learning opportunities for all - if students are discriminated against or experience violence because of their actual or perceived sexual orientation and gender identity.

^{۲۰} در پاورقی ذیل بند ۵ چارچوب اقدام آمده است: از این پس، اصطلاح «گروه‌های به حاشیه رانده شده و آسیب‌پذیر» به همه گروه‌های معرفی شده در این فهرست اشاره خواهد داشت. لازم است ذکر شود که فهرست نامبرده که ترکیبی از پاراگراف‌های ۱۹ و ۲۵ سند «دگرگون‌سازی جهان ما: دستور کار ۲۰۳۰ برای توسعه پایدار» است فهرست کاملی نیست و کشورها و مناطق مختلف دنیا می‌توانند انواع دیگری از آسیب‌ها، به حاشیه رانده شدن‌ها، طردشدگی‌ها و تبعیض‌های جایگاه‌محور را معرفی کنند و در مورد آن شرح دهند.

همچنین از اهداف یونسکو در حمایت از گروه‌های homophobic and transphobic این است که پس از ایجاد ائتلاف‌هایی در سطح ملی، منطقه‌ای و جهانی، از کشورهای در معرض خشونت نسبت به چنین گروه‌هایی در قالب تغییر ترتیبات ساختاری آموزشی پشتیبانی کند.^{۲۱}

^{۲۱} برای اطلاعات بیشتر در خصوص فعالیت‌های یونسکو در این زمینه در ادامه همان صفحه می‌خوانیم:

UNESCO's Actions

In May ۲۰۱۶, UNESCO brought world leaders together for the [#OutInTheOpen International Ministerial Meeting: Education Sector Responses to Homophobic and Transphobic Violence](#). The event featured the launch of the first UN Global Report on violence based on sexual orientation and gender identity/expression and concluded with a group of countries affirming a [Call for Action by Ministers](#) for an inclusive and equitable education for all learners in an environment free from discrimination and violence, including discrimination and violence based on sexual orientation and gender identity/expression.

Since then ۵۶ countries have joined to support the Call for Action by Ministers from Africa, Asia Pacific, Europe, Latin America and North America and the deadline for countries to express their support remains open.

In ۲۰۱۱ UNESCO convened the first-ever UN international consultation on homophobic bullying in educational institutions. The findings were presented in the publication [Good Policy and Practice in HIV and Health Education – Booklet A: Education Sector Responses to Homophobic Bullying](#) (Chinese, [English](#), [French](#), [Italian](#), [Korean](#), [Polish](#), [Portuguese](#), [Russian](#), [Spanish](#)), launched in Paris on the International Day Against Homophobia/Transphobia (IDAHOT) ۲۰۱۲. On the same day, UNESCO and the IDAHOT Committee published a [lesson plan](#) for teachers and educators ([French](#), [German](#), [Chinese \(link is external\)](#)) and locally adapted in [Lesson Plans for teaching about sexual and gender diversity](#) for [Thailand](#)).

Through a three-year programme launched in November ۲۰۱۳ and supported by the Government of the Netherlands called *EDUCATION AND RESPECT FOR ALL: Preventing and Addressing Homophobic and Transphobic Bullying in Educational Institutions*, UNESCO supported regional and country-led activities in Asia-Pacific, Southern Africa, and Latin America and the Caribbean, including:

Improving the evidence base and documenting best practice

- Release of the *Out In the Open* [report](#) (summary in [English](#), [French](#) and [Spanish](#)) on education sector responses to violence based on sexual orientation and gender identity/expression provides the first overview of data on the nature, scope and impact of the violence, and looks at current actions to address it.
- Launch of a [comprehensive review \(link is external\)](#) into bullying based on sexual orientation and gender identity or expression in Bangkok, Thailand, ۲۰۱۵, “[From Insult to Inclusion: Asia-Pacific report on Bullying, Violence and Discrimination on the Basis of Sexual Orientation and Gender Identity](#)”, (Infographic English).
- Completion of a study on gender, diversity and violence in schools in Botswana, Lesotho, Namibia, South Africa and Swaziland, the first of its kind in most of these countries to include questions on violence targeting students who are perceived as gender non-conforming.
- Publication, in collaboration with Plan International, of a study on [Bullying Targeting Secondary School Students who are or are Perceived to be Transgender or Same-Sex Attracted](#) in Thailand.
- Publication of a study, “*Reaching out: Preventing and addressing school-related gender-based violence in Viet Nam*” ([Volume ۱](#) & [Volume ۲](#)) in ۲۰۱۶, by the Ministry of Education and Training of Viet Nam with support from UNESCO and UNGEI.

- raise awareness and build coalitions at national, regional and global level, and;
- facilitate action in selected countries to prevent and address homophobic and transphobic violence in educational settings.

در این صفحه به صورت مشخص، LGBTها را به رسمیت شناخته و یکی از مصادیق فراگیری را گروه‌های همجنس باز و امثال آن دانسته است. پذیرش این نوع از مفاهیم و روابط جنسی، دقیقاً بنیان خانواده را هدف قرار داده است که به صورت مفصل در مقاله شارون اسلاتر با عنوان «تحلیلی بر دستور کار ۲۰۳۰؛ تهدیدهای پنهان برای زندگی، خانواده و کودکان» به آن پرداخته شده است.

Violence based on sexual orientation and gender identity/expression is often directed at lesbian, gay and bisexual students (homophobia) and transgender students (transphobia), and others whose gender expression does not fit into binary gender norms, such as boys perceived as effeminate and girls perceived as masculine. As such, it is a form of gender-based violence.

Raising awareness and building coalitions

- Seminar at UNESCO Headquarters in Paris on LGBT children and young people's right to education, on the occasion of Human Rights Day ۲۰۱۴ and the ۲۵th anniversary of the Convention on the Rights of the Child.
- Regional consultations on education sector responses to violence based on sexual orientation and gender expression/identity in educational institutions in Latin America and the Caribbean, and in Asia-Pacific in June ۲۰۱۵.
- Launch of the [School Rainbow campaign \(link is external\)](#), with more than ۲,۰۰۰ students chalking rainbows around school gates in Bangkok, Thailand, in a sign of support for sexual/gender diversity.
- Launch of the *Be Myself* social media campaign in China on the International Day against Homophobia and Transphobia ۲۰۱۵, encouraging young people to be their true selves, to respect differences and be kind to each other.
- As part of the ۲۰۱۵ UNESCO/UNDP initiative *Being LGBT in Asia*, the [#PurpleMySchool \(link is external\)](#) social media campaign was launched, promoting safe spaces for LGBTI students in schools.
- UNESCO Director-General, Irina Bokova, becomes one of ۱۲ heads of UN entities to endorse an historic statement on ۲۹ September ۲۰۱۵ calling on States to act urgently to end violence and discrimination against LGBTI adults, adolescents and children.

Supporting the implementation of country-level activities addressing violence based on sexual orientation and gender expression/identity in education

- Support in China for a [strategy workshop and training of trainers \(link is external\)](#) in May ۲۰۱۳ to promote LGBT education. The Gay and Lesbian Campus Association of China (GLCAC) released a ground-breaking report [report on university textbooks \(link is external\)](#) in October ۲۰۱۴, entitled "Homosexuality Contents in University Textbooks".
- As a result of a regional meeting in Bangkok in June ۲۰۱۵, Technical Working Groups involving China, Indonesia, the Philippines and Thailand are formed, comprising representatives from government, civil society organizations, and academia.
- UNESCO supported the Mexican NGO, Demysex, to develop a [manual](#) to raise the awareness of teachers about issues related to sexual orientation and gender identity, homophobia and transphobia.

It includes physical, sexual and psychological violence and bullying. A student is bullied when exposed repeatedly over time to aggressive behavior that intentionally inflicts injury or discomfort through physical contact, verbal attacks, fighting or psychological manipulation.

باید توجه داشت که این فراگیری صرفاً در دسترسی به آموزش متناسب با نیازها و شرایط چنین گروه‌هایی نیست بلکه مشارکت در طراحی، تصمیم‌گیری و مدیریت فرایند آموزش نیز باید فراگیری محقق شود. این نکته بدان معناست که باید تشکلهای سیاسی، فرهنگی و مذهبی مطرود اولاً به رسمیت شناخته شده و ثانیاً امکان ورود به فضای خط‌مشی‌گذاری و مدیریت آموزش شوند. بند ۱۳ چارچوب اقدام در این خصوص بیان می‌کند:

«تضمین برابری و فراگیری در آموزش از طریق: آموزش و مقابله با همه انواع درحاشیه ماندن افراد، نابرابری، آسیب‌پذیری و عدم تساوی در دسترسی به آموزش و زمینه‌سازی برای مشارکت، ابقا و تکمیل دوره‌های آموزشی و همچنین تضمین برابری و فراگیری در دسترسی به نتایج یادگیری. تدوین و اجرای سیاست‌های عمومی دگرگون‌کننده برای پاسخگویی به نیازهای مختلف یادگیرندگان متفاوت، و نیز مقابله با اشکال چندگانه تبعیض و موقعیت‌های مختلف، از جمله شرایط اضطراری که مانع از تحقق حق آموزش می‌شوند. از آنجا که برابری میان زنان و مردان (تساوی جنسیتی) از ویژگی‌های کلیدی دیگر آموزش ۲۰۳۰ است، بنابراین دستورکار حاضر، به تبعیض‌های مبتنی بر جنسیت، اقشار آسیب‌پذیر و تضمین همه شمول بودن آموزش به گونه‌ای که کسی از این قافله عقب نماند، توجه خاصی مبذول داشته است. هیچ یک از اهداف این سند را نباید تحقق یافته دانست، مگر اینکه برای همه محقق شده باشد».

در انتهای بند ۱۶ نیز آمده است:

«رویکردهایی که براین اساس اتخاذ می‌شوند، باید بتوانند همه افراد را برای دسترسی به آموزش با کیفیت، مشارکت در آن و فراگیری آن توانمند سازند و در این فرایند، بیش از همه بر افرادی تمرکز می‌شود که دسترسی آن‌ها به آموزش باکیفیت از سایرین دشوارتر است».

در بند ۱۸ نیز آمده است:

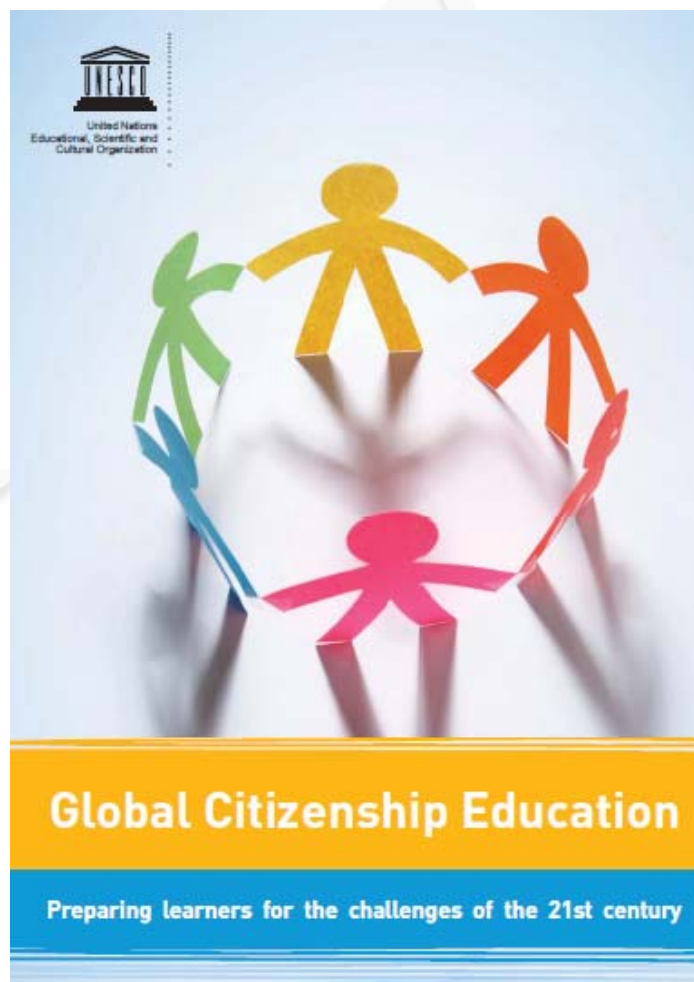
«نظام‌های آموزشی باید برای جذب و دسترسی به افراد طرد شده و یا افرادی که در معرض خطر در حاشیه ماندن قرار دارند، تلاش کنند. به علاوه، برای تضمین آموزش با کیفیت و فراهم آوردن شرایط لازم برای بازدهی مؤثر آموزشی، دولت‌ها موظف‌اند که نظام‌های آموزشی را از طریق استقرار و بهینه‌سازی حاکمیت مؤثر و فراگیر و همچنین استقرار سازوکارهای مناسب پاسخ‌گو، تقویت کنند».

برخی گزارشات مهم مرتبط با برخی از مباحث آموزش ۲۰۳۰؛ منتشره توسط یونسکو



Outcome document of the Technical Consultation on Global Citizenship Education

Global Citizenship Education: An Emerging Perspective





دانشگاه امام صادق



GLOBAL EDUCATION MONITORING REPORT

2016

Gender Review

CREATING SUSTAINABLE FUTURES FOR ALL

دانشگاه امام صادق علیه السلام

